



عدول بلاوجه «زیرنویسی بر زیر نویس»

هدف از این نوشتار به اشتراک گذاری تجربه یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی است که به بررسی وضعیتی از این فرآیند می‌پردازد که با وجود موافقت حاضرین واجد حقرأی به تصمیمی در جلسه، چنانچه پس از ختم جلسه و در هنگام امضای صورتجلسه مربوط برخلاف نظر خود، اعلام و انشاء مخالفت کنند



سعید جمشیدی فرد



چه اثری بر تصمیم اتخاذی دارد. اگر چه موضوع اختصاصاً مربوط به یکی از تصمیمات تعیین کننده در شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران (از این پس به اختصار جامعه) است لیکن مخاطبان این نوشتار صرفاً اعضای جامعه نیستند بلکه این تجربه و پیامدهای آن در سایر هویت‌های مشابه نظیر مجامع عمومی، هیئت مدیره‌ها، کارگروه‌ها و

دیگر شوراها که تصمیم‌گیری در آن مستلزم اخذ نظر، اعلام رأی، اتخاذ تصمیم و در نهایت اجرای آن است، آشناست. بنابراین، با تأکید بر جنبه‌های حقوقی و مدیریتی می‌تواند جالب توجه و تداعی کننده برای خوانندگانی چون مدیران شرکت‌ها، حساب‌رسان و بازرسان، ناظرین، رؤسا و دبیران جلسات، اعضای هیئت رئیسه‌ها و امنا باشد که جلسات شورای عالی جامعه با حضور حداقل ۸ عضو قابل تشکیل است و تصمیمات باید با حداقل ۶ رأی موافق اتخاذ شود. شورای دوره هفتم با توجه به آیین‌نامه‌ای که پیش از این به تصویب رسیده بود جلسات خود را برگزار می‌کرده است. بر این اساس دستور جلسات با نظر رئیس شورا در انطباق با آیین‌نامه و توجه به پیشنهادهای موجود، اهمیت و اولویت موضوعات، صلاحیت ورود شورا و مهیا بودن موضوع جهت طرح در جلسه تعیین و با درج در دعوتنامه کتبی حاوی زمان و مکان جلسه به اطلاع اعضا و نظار شورا می‌رسد. بنابراین مقدمات پس از تشکیل جلسه و بحث و تبادل نظر پیرامون هر یک از دستور جلسات، نسبت به موضوعاتی که مهیای اتخاذ تصمیم است، حسب مورد رأی‌گیری می‌شود. اعلام رأی حسب موضوعات می‌تواند به صورت مخفی یا علنی و در این صورت با بالا بردن دست و یا درخواست اعلام نظر مخالف نسبت به جمع‌بندی که رئیس شورا پیش از رأی‌گیری کرده، انجام می‌گیرد. قابل ذکر است که تمامی جلسات شورا از طریق سیستم صوتی ضبط و نگهداری می‌شود. با عنایت به مختصر فرآیند برگزاری جلسه، دبیر شورا پیش‌نویس صورتجلسه

مشمول بر درج اسامی حاضرین و غایبین، دستور جلسات، زمان و مکان، حسب مورد خلاصه‌ای از بحث‌ها و تصمیمات را جهت امضا تهیه و تنظیم کرده و پس از بررسی آن توسط رئیس شورا پیش از جلسه بعد، به اشتراک با اعضای شورا به منظور اعلام نظرات تکمیلی یا اصلاحی گذاشته شده و بر این اساس صورتجلسه نهایی مبتنی بر این روند به منظور امضا در ابتدای جلسه بعد به گردش در می‌آید. این روال به جز موضوع این نوشتار همواره با حسن‌نیت موجود در شورا بدون مشکل جدی، صورتجلسات امضا، نگهداری و نسخه‌ای جهت اطلاع عموم در سایت جامعه بارگذاری می‌شود. افزون بر این با وجود نظار و همچنین فایل‌های صوتی جلسات، زمینه‌ای برای ورود تردید به تصمیمات و یا لزوم امضای دستنویس صورتجلسه در پایان همان جلسه پیش نیامده بود.

چهل و ششمین جلسه شورای عالی دوره هفتم جامعه به تاریخ دهم خرداد ۱۴۰۱ مشتمل بر دستور جلسه «تعیین زمان و مکان برگزاری مجمع عمومی سه سالانه» بود. این دستور جلسه از جهاتی اهمیت داشت که با عنایت به شرایط بوجود آمده ناشی از شیوع کرونا، با وجود تصویب ضوابط برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی، با اعلام فراهم نشدن بستر لازم برای اجرای مصوبه توسط دبیرکل و سپس پیشنهاد اصلاح تبصره ماده ۸ «دستورالعمل مربوط به نحوه برگزاری مجمع عمومی و انتخابات شورای عالی» شورای عالی و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی، امکان برگزاری همزمان انتخابات اعضای شورای عالی در شهرهای مشهد و اصفهان به دلیل تعداد

قابل توجه حسابداران رسمی این مناطق فراهم شد. با این حال نظر به نزدیکی به زمان برگزاری انتخابات در شهریور ماه ۱۴۰۱، تحت تأثیر فضای انتخاباتی، تبلیغات غیررسمی، دسته‌بندی و لابی اشخاص و گروه‌ها و عمدتاً در بستر شبکه‌های اجتماعی و مجازی آغاز شده و موضوع توسعه محل برگزاری انتخابات به شهرهای مشهد و اصفهان هم یکی از موضوعات مورد بحث و تبادل نظر شد که طیفی از نظرات و نقدهای منصفانه تا موافقت و مخالفت تحت تأثیر پیش‌بینی نتایج انتخابات را در بر گرفت و به تبع آن اعضای شورا از زمان در دستور جلسه قرار گرفتن موضوع، امضای صورتجلسه و سپس تا برگزاری مجمع عمومی شرایط دشواری را سپری کردند.

در جلسه مزبور، پس از ارائه پیشنهاد هیات مدیره برای برگزاری مجمع در دو شهر یاد شده، دبیرکل دلایل طرح پیشنهاد شامل فراوانی تعداد اعضا در دو منطقه، مشکلات ناشی از جابجایی اعضا از جمله وقت و هزینه اضافی مصروفه آنان برای حضور در تهران، میسر نشدن برگزاری الکترونیکی برای پوشش همه مناطق، کم بودن تعداد اعضا در دیگر مناطق و پیشگیری از طرح ایرادات ناپسند نسبت به اعضای که به طرق مختلف در دوره‌های قبل خود را برای رأی دادن به تهران می‌رسانند، گزارش کرد. متعاقباً پس از تبادل نظر، رئیس جلسه درخواست کرد تا چنانچه کسانی از اعضای شورا با پیشنهاد برگزاری انتخابات در اصفهان و مشهد هم‌زمان با تهران مخالف هستند، اعلام کنند که با توجه به عدم مخالفت، بدین ترتیب با اعلام نتیجه تصمیم، پیشنهاد به اتفاق آرای اعضای حاضر در

جلسه به تصویب رسید.

اما با تهیه و تنظیم پیش‌نویس و گردش آن در جلسه بعد جهت امضا، دو عضو از اعضای حاضر در جلسه با بند ۲ مصوبه در مورد تعیین زمان و مکان انتخابات از طریق زیرنویس اعلام مخالفت کردند. به این ترتیب که یکی از مخالفین با ذکر سه دلیل؛ یکی عدم رعایت حقوق کلیه حسابداران رسمی، دوم عدم رعایت قوانین بالا دستی و قانون اساسی در خصوص دارا بودن حق رأی برای کلیه آحاد جامعه و مردم و سوم جلسات شورا و مصوبات قبلی همگی (حتی حذف ۱۰٪ به منظور الکترونیکی کردن انتخابات بوده است، زیرنویس کرده و عضو دیگر با ذکر مخالفت با بند مزبور با عطف به زیرنویس فوق‌الاشاره، بر خلاف آنچه در جلسه چهل و ششم تأیید و مصوب کرده بودند، درج مخالفت کردند.

صرفنظر از ورود به دلایل زیرنویس شده و ارزیابی قابل قبول، منطقی و صحیح بودن آنها، در اینجا این سؤال که با وجود عدم مخالفت و تصویب موضوع، آیا اعلام مخالفت بعدی از جاهت برخوردار است، بررسی می‌شود.

با عنایت به شرح موضوع و بیان سؤال، لازم است مختصری از مبانی حقوقی مرتبط مرور شود. "دکتر ناصر کاتوزیان" در مقدمه علم حقوق در مبحث اعمال حقوقی و در خصوص قصد و رضا در قراردادهای می‌نویسند که در حقوق ما اراده به دو عنصر قصد و رضا تجزیه شده است. انجام یک عمل حقوقی معلول یک سلسله فعالیت‌های دماغی و درونی است که هر شخص با مراجعه به وجدان خویش می‌تواند آن را دریابد. انسان ابتدا در تصور وجود عمل را می‌ند

و پس از سنجش میزان نفع و ضرر آن و ملاحظه نیازهای مادی و معنوی خود یا نمایندگی که دارد لزوم ایجاد آن عمل را تصدیق می‌کند و در باطن مشتاق به آن کار می‌شود. این اشتیاق به انجام دادن را «رضا» می‌نامند.

پس از گذشتن این مرحله و احساس رضایت از انجام دادن کار، انسان تصمیم می‌گیرد آن کار را اجرا کند، یعنی عمل حقوقی مورد نظر را در ذهن خود ایجاد می‌کند و همین مرحله است که انشاء عمل حقوقی یا «قصد» نامیده می‌شود. پس مبنای هر قصد میل و رضاعی است که در اثر تصدیق عمل از پیش در ذهن به وجود آمده است و این دو (قصد و رضا) برای ایجاد عقد لازم و ملزوم یکدیگر است. برای اینکه اراده باطنی بتواند مؤثر در بستن عقد شود باید حائز دو شرط باشد؛ اول باید اعلان شود، یعنی به وسیله لفظ یا نوشته یا کار یا اشاره، اراده جنبه خارجی پیدا کند و برای طرف قرارداد مفهوم باشد. تا زمانی که اراده جنبه بیرونی و خارجی پیدا نکرده بر آن اثری بار نمی‌کند. دیگر اینکه اراده باید خالی از عیب شامل اشتباه و اکراه باشد.

از بعدی دیگر، مراد از قصد، اراده است یعنی طرفین معامله می‌بایست اراده داشته باشند یعنی در آن سطح از هوشیاری و عقلانیت باشند که بفهمند چه عملی انجام می‌دهند و آثار و تبعات آن چیست. به عبارت دیگر متوجه اعمال و رفتار خود باشند و بدانند که زیر چه نوشته‌ای را امضاء می‌کنند. برای اینکه ما از اراده شخصی آگاه شویم بایستی با لفظ یا فعل، این اراده اعلام شود و تا زمانی که تصورات اشخاص به هیچ عنوان به عالم

خارج وارد نشده باشد نمی‌توان آن را مبنای کار قرار داد و به همین علت ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر داشته است که «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» البته لازم نیست که این اراده حتماً از طریق لفظ باشد بلکه می‌تواند با اشاره صورت گیرد ولیکن در این موارد اشارات می‌بایست کاملاً واضح و معلوم باشد که قصد انجام معامله را دارد یا خیر و در همین خصوص ماده ۱۹۲ بیان می‌دارد: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد اشاره‌ای که مبین قصد و رضا باشد کافی است». ماده ۱۹۵ در مقام ذکر تمثیل با مفهوم مخالف آورده است که «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله کند آن معامله به لحاظ فقدان قصد باطل است».

اعلام اراده گاه صریح و گاهی ضمنی است. اعلام اراده وقتی صریح است که با الفاظی که دلالت بر اراده باطنی داشته باشد حاصل شود. گاه زبان این الفاظ را به طور مستقیم ادا می‌کند و گاه با واسطه مانند مکالمه تلفنی، گاه نیز اعلان صریح اراده با نوشتن عادی یا رسمی در قالب سند یا کتابت یا روزنامه یا اعلان با امضا یا به وسیله چاپ یا به طرق دیگر حاصل می‌شود. گاه اعلام صریح به واسطه اشاره متداول عرفی صورت می‌گیرد. اشاره غیرمبهم فردی که تلفظ برای او ممکن نیست، اعلام صریح اراده او محسوب می‌شود. مانند پایین آوردن عمودی سر، که دلالت بر قبول و بالا بردن آن یا بالا انداختن کتف که دلالت بر عدم قبول دارد. بنا به مبانی اشاره شده، حتی در صورت

نبود سه عضو ناظر و رئیس هیئت عالی نظارت و فقدان سیستم صوتی ضبط گفتگوها و مذاکرات جلسه، از نظر حقوقی مصوبه با آرای متفق دارندگان حق رأی معتبر و لازم‌الاجرا بوده و درج مخالفت به ترتیبی که شرح رفت نه تنها بی‌اثر بلکه عدول بلاوجه و جهت تلقی می‌شود. با این حال، ممکن است این سؤال مطرح شود که تکلیف در حالتی که شخص تصمیم به برگشت از نظر و عدول از قصد انشاء قبلی خود داشته باشد چگونه باید عمل کند. در این حالت ابتدا باید گفت که با توجه به انجام تمامی ترتیبات تصمیم‌گیری و تحقق ارکان اثر حقوقی، تصمیم نافذ بوده و امکان نقض آن وجود ندارد اما اشخاص می‌توانند با تقاضای طرح موضوع برای اصلاح یا ابطال تصمیم اتخاذی بر اساس مقررات برگزاری جلسات کرده و در جلسه‌ای دیگر موضوع در دستور جلسه قرار گرفته و به رأی گذاشته شود.

اما نکته متفاوت که می‌تواند در موارد مشابه توجه شود، درج متن زیر نویسی توسط رئیس شورا در ذیل زیرنویس دو عضو است که آن نیز غیر معمول بنظر می‌رسد. از آنجا که صورتجلسات به طور کلی جزء اسناد و پشتوانه اقدامات شرکت‌ها، نهادها و تشکلهایی نظیر جامعه است و بعضاً از جمله در جامعه از طریق سایت به اطلاع اعضا می‌رسد، ثبت سابقه، رفع اثر از عدول بلاوجه و وظیفه امانتداری ایجاب می‌کرد تا رئیس شورا با قرائت زیرنویس در جلسه‌ای که زیرنویس انشاء شد، ضمن توضیح غیرنافذ بودن مخالفت انشایی در اکثریتی تلقی شدن تصمیم، برگشت از زیرنویس مخالفت را از اعضای مخالف درخواست کند. لیکن نظر به عدم اجابت درخواست

و اصرار بر نظر، رئیس شورا با این عبارت که «تصمیمات این جلسه بدون مخالفت و باتفاق آراء حاضرین به تصویب رسید. (زیرنویس مخالفت با بند ۲ صورتجلسه بعداً در هنگام امضای صورتجلسه درج شده است)»، با زیرنویسی بر زیرنویس رویداد مزبور را ثبت و کامل کرد.^۱ ■

پی نوشت:

۱- تصویب برگزاری مجمع عمومی در شهرهای اصفهان و مشهد همزمان با تهران و اصلاح و مقررات مربوط، برگزاری مجمع عمومی را در روز ۲۳ شهریور ماه ۱۴۰۱ در این سه منطقه در جهت حقوق اعضا فراهم آورد و با افزایش مشارکت اعضای ساکن در دو منطقه اضافه شده، نصاب تشکیل مجمع با حضوری سربسری در نوبت دوم احراز و از دعوت تعویق مجمع به نوبت سوم جلوگیری کرد.

سعید جمشیدی فرد: حسابدار مستقل
خبره، حسابدار رسمی

